

از گفتار اصلاح‌طلبان تا کردار اصلاح‌طلبانه

«اعتماد» با نگاهی به آخرین اخبار و مواضع اصلاح‌طلبان، وضعیت جریان اصلاحات را در مسیر بازسازی گفتمانی بررسی می‌کند

اصلاح‌طلبان چه می‌کنند؟! نیروهای سیاسی که حالا چندصباحی است که از حداقل نفوذ و حضور در حاکمیت برخوردارند و همان معدود کرسی‌هایی را که در نهادهای انتخابی نظام داشتند، از کف داده و تنها نظاره‌گر حاکمیتی یکدست و چالش‌هایی متکثر و متعددند، از آنجا که به‌خصوص پایگاه اجتماعی‌شان را نیز پراکنده‌تر از هر زمان می‌بینند و جایگاه سیاسی‌شان را متزلزل‌تر از همه دوران، در صدد جبران و ترمیم و بازسازی گفتمانی‌اند که اگرچه با عنوان «اصلاحات» داعیه‌دار اصلاح حاکمیت است اما آنچه اکنون برای این جریان سیاسی در اولویت است، اصلاحات درون‌گفتمانی است و «اصلاح اصلاحات»!

اما اینکه «اصلاح اصلاحات» به چه معناست و اصلاح‌طلبان برای اصلاحات درون‌گفتمانی و بازسازی و ترمیم ساختاری که سال‌هاست در آن به سیاست‌ورزی و کنش مدنی مشغولند، «چه باید بکنند»، «چه می‌توانند بکنند» و البته «چه می‌کنند»، چندان روشن نیست و این درحالی است که البته این اوضاع ناروشن را می‌توان به‌روشنی در مواضع و سخنان آنان و نیز در آنچه اینجا و آنجا از سطور و بین‌سطور گفتار و نوشتار خودشان می‌شنویم و می‌خوانیم، بازشناخت و فهمید.

بگذارید ابتدا نگاهی بیندازیم به چند نمونه از آخرین اظهارنظرها و سخنانی که به نقل از اصلاح‌طلبانی از طیف‌ها و حزب‌های مختلف عضو «جبهه اصلاحات ایران» و البته برخی نیروهای بیرون اما نزدیک به این نهاد بالادستی جریان اصلاحات، منتشر شده است. یکی گفته «احزاب اصلاح‌طلب در صدد تشکیل دولت در سایه هستند ... و سران اصلاحات می‌خواهند جمهوریت نظام را احیا کنند»، آن یکی یک‌تنه، البته مجهز به سلاح اینستاگرام و تویتر، از مدتی پیش از این، کار تشکیل

«دولت سایه» را آغاز کرده و دیروز پس از آنکه به بخشی از اقدامات مثبت و موثر خود پرداخته و گفته که تاسیس و تشکیل صندوق توسعه ارزی، خروجی پیشنهادی بوده که او 23 سال پیش از این، به سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهوری وقت داده بود، گفته «امروز با گذشت ۲۳ سال، این صندوق می‌بایست نظیر صندوق ثروت نروژ و... که ثروت عظیمی دارند، بیش از یکصد میلیارد دلار ذخیره قابل حصول داشته باشد»، البته «اگر برخی از برداشتهای بیرویه نبود و منابع صندوق به نحو درستی سرمایه‌گذاری می‌شد.» همزمان یکی از چهره‌های قدیمی‌تر اصلاح‌طلب که برخلاف اغلب اصلاح‌طلبان، از گذشته‌های دور نگاهی سوسیالیستی به اقتصاد دارد و منتقد اقتصاد بازار آزاد است، به تفصیل به نقد اصلاحات نشسته و درحالی‌که به نیابت از فراکسیون اصلاح‌طلبان، ریاست فصلی خانه احزاب را برعهده دارد، با تأکید بر «حمایت از طبقات ضعیف و فقیر» به عنوان «بزرگ‌ترین مشخصه این جریان که در ادامه جریان خط امام» یا همان اصلاح‌طلبان امروز، گفته «امروز در جریان اصلاحات مانند جریان محافظه‌کار، کسانی که از سیستم سرمایه‌داری «آدام اسمیتی» دفاع می‌کنند، نسبت به کسانی که از طبقات فقیر و ضعیف جامعه دفاع می‌کنند، بیشترند. امروزه نظرات «اسپنسر» که می‌گفت طبقات ضعیف باید به نفع طبقات ثروتمند و قوی حذف‌شده، در کشور ما جریان و اصالت یافته» و اضافه کرده «دبیر کل یکی از احزاب اصلاح‌طلب گفته ما نماینده طبقه متوسط هستیم و طبقات ضعیف و فقیر را نمایندگی نمی‌کنیم. با توجه به اینکه اکثر جامعه امروز نزدیک به خط فقر یا زیر خط فقر است، به صورت خودجوش اعلام می‌کند که با اکثریت جامعه قطع ارتباط کرده‌ایم. این خود عامل بزرگی برای ایجاد فاصله بین اصلاح‌طلبان و جامعه است.» آن‌هم در حالی که یکی دیگر از اصلاح‌طلبان هم‌سن و سال او، به بهانه فرارسیدن دهه فجر و سالگرد پیروزی انقلاب، با اشاره به مشکلات اساسی مملکت، گفته: «در وهله نخست، پیشنهاد می‌کنم مسوولان نظام به واسطه برخی نارسایی‌ها و کم‌کاری‌ها از مردم نجیب ایران متواضعانه عذرخواهی کنند» و بعد خود پیشقدم شده و تأکید کرده «اینجانب به سهم خود به خاطر برخی قصورهای احتمالی در زمان تصدی مسوولیت‌هایی که در ادوار مختلف داشته‌ام، از ملت بزرگوار ایران پوزش می‌خواهم»

از آنچه تا اینجا به نقل از محمود علیزاده طباطبایی، عبدالناصر همتی، حسین کمالی و درنهایت محمدرضا عارف مرور کردیم، اگرچه نمی‌توان به نوع نگاه و نگرش مشخص و روشن گویندگان در حوزه سیاست، اقتصاد یا جامعه دست یافت و نیز اگرچه از این مواضع و اظهارات حتی نمی‌توان نوعی یکپارچگی و همکاری منسجم سیاسی که علی‌القاعده انتظار می‌رود میان این 4 چهره به عنوان 4 کنشگر فعال در یک جریان

سیاسی مشخص وجود داشته باشد و بر روابطشان حاکم باشد، برداشت کرد اما دستکم می‌توان به تصویری به نسبت روشن از وضعیت کلی این جریان سیاسی نزدیک شد. تصویری که اگرچه به نظر شفاف و دقیق به نظر می‌رسد اما این به معنای آن نیست که به لحاظ محتوایی، آنچه در این تصویر دیده می‌شود نیز ساختاری شفاف و دقیق باشد.

اصلاح‌طلبان آن‌طور که علیزاده طباطبایی در گفت‌وگویی با خبرگزاری دولتی برنا می‌خوانیم در پی ایجاد نوعی انسجام درونی و نهادسازی است تا با تشکیل «دولت در سایه»، سال‌های پیشرو تا برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم و احیانا دولت چهاردهم را به کار سیاسی تشکیلاتی به منظور بازپس‌گیری قدرت از مسیر صندوق رای مشغول خواهد بود، حال آنکه اگر آنچه این روزها با خوانش رفتار و گفتار سیاسی عبدالناصر همتی در فضای رسانه‌ای می‌بینیم و می‌خوانیم، ملاک قرار دهیم و بپذیریم، یعنی دستکم از این ناحیه، نمی‌توان چندان به دستیابی به انسجام و هماهنگی گفتمانی و پیشبرد هدفی مشترک با کار تشکیلاتی منسجم با همگرایی تام و تمام امید بست؛ چه آنکه تحلیل رسانه‌ها از رفتار رسانه‌ای این روزهای عبدالناصر همتی این است که او در پی ظرفیت‌سازی و ایجاد فضای مناسب سیاسی است حال آنکه محمدرضا عارف، به عنوان یکی از همان چهره‌های اصیل اصلاح‌طلب، پس از کناره‌گیری و از خودگذشتگی به نفع حسن روحانی، در یادداشتی که از قضا همچون همتی به لطف گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، از طریق صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام هم‌رسان کرده، درحالی از ایرانیان به دلیل عملکرد مدیریتی‌اش طی دوران مختلف پوزش خواسته که آنچه در اصل قصد بیان‌ش را دارد، لزوم پوزش‌خواهی مجموعه حاکمیت از ملت است و به این ترتیب باید گفت او در واقع مجموعه حاکمیت را در وضع موجود مقصر می‌داند.

اما فارغ از اینکه موضع‌گیری‌های برخی فعالان سیاسی اصلاح‌طلب برای بهبود سرمایه اجتماعی و ترمیم جایگاه سیاسی‌شان باشد، آنچه حسین کمالی، به عنوان دبیر کل حزب اسلامی کار که هم‌اکنون ریاست بر خانه احزاب ایران را نیز برعهده دارد، در تحلیل اوضاع جریان اصلاحات و البته مجموعه حاکمیت به ایلنا گفته، از اوضاع و احوالی حکایت می‌کند که در صورت صدق و صحتش، باید گفت که نگاه به انتخابات برای اصلاح‌طلبان، دستکم ظرف این بازه زمانی اندک دو، سه‌ساله چندان واقع‌گرایانه نیست و اگر هم بتوان اصلاح‌طلبان را به هر شکل و معنا، در زمره مدعیان احتمالی دولت چهاردهم قرار داد، پیش از آن لازم است اقداماتی اساسی در مسیر بازسازی گفتمانی و اصلاحِ اصلاحات صورت گیرد و امیدوار بود که بخت و اقبال با اصلاح‌طلبان همراه شود و روند پیشرفت امور و سیر تحولات بیرون این گفتمان و جریان سیاسی

نیز به نحوی باشد که نه تنها آسیب تازه‌ای برای اصلاح‌طلبان در پی نیاورد، بلکه به سود آنان رقم خورده و به قول معروف دل شهروندان را تا آنجا که امکانش هست، نسبت به گفتار و رفتار اصلاح‌طلبان نرم کند و در جامعه نسبت به آنان نوعی روحیه پذیرش و اعتماد ایجاد کند.

این درحالی است که چنین انتظاری در عالم سیاست که عالم واقعیات و ممکنات است، اگر نگوییم محال است، باید اعتراف کنیم که بسیار بعید بوده و هرگز رنگ واقعیت به خود نخواهد گرفت مگر آنکه کار و کنش سیاسی و مدنی مبتنی بر عقل سلیم و خرد جمعی به کار بیاید.

اینجاست که البته اگر آنچه علیزاده طباطبایی در مواجهه با پرسش‌های خبرنگار خبرگزاری اصولگرای برنا گفته، ملاک قرار گیرد، می‌توان دست‌کم امیدوار بود که اصلاح‌طلبان فارغ از اینکه در ادامه در مسیر درست و منطقی گام خواهند گذاشت یا نه، دست‌کم به راه افتاده و به قول معروف پاشنه‌ها را ور کشیده‌اند. این عضو حزب کارگزاران سازندگی که در مواجهه با پرسش‌های احتمالا هدفدار یک خبرنگاری اصولگرا، خبرهایی از همنشینی بزرگان اصلاحات را کنار هم ردیف کرده، از جمله گفته است: «آقای روحانی در روزهای اخیر با آقایان ناطق‌نوری، خاتمی، باهنر و لاریجانی جلساتی داشته است. سران اصلاحات می‌خواهند جمهوریت نظام را احیا کنند. اسحاق جهانگیری هم در جلسات روحانی با سران اصلاحات حضور دارد و همفکری می‌کند. همتی و اسحاق جهانگیری با کارگزاران در ارتباط هستند و موضوعاتی را در زمینه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند.» علیزاده طباطبایی همچنین گفته است: «آقای محسن هاشمی اخیرا با آقای روحانی و لاریجانی دیدار کرده و به زودی آقای مرعشی هم جلساتی را با آقای روحانی خواهد داشت.» این گفته‌ها در شرایطی که طی هفته‌های گذشته خبری از دیدار حسن روحانی با رهبری نیز منتشر شده و در عین حال طی این مدت صحبت‌هایی درخصوص تدوین نامه‌ای از سوی سیدمحمد خاتمی خطاب به رهبری دست به دست شده و موج واکنش‌ها به بیانیه مشترک «مجمع روحانیون مبارز» و «مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم» که با حمایت قابل‌توجه و استقبال بخشی از بدنه حامیان جریان اصلاحات نیز مواجه شد، هنوز فرو ننشسته، می‌تواند روزنه امیدی در جریان اصلاحات باشد. همین‌طور درحالی‌که چهره‌هایی چون حسین کمالی با ادبیاتی انتقادی به تحلیل و واکاوی نگاه حاکم بر جریان اصلاحات به‌خصوص در حوزه اقتصاد نشسته و سیاستمداری همچون محمدرضا عارف نیز در یادداشتی اینستاگرامی، صریح‌تر از همیشه به نقد حاکمیت پرداخته و نسبت به اوضاع نامساعد معیشت شهروندان هشدار می‌دهد، واقعیتی که نباید فراموش کرد این است که طی ماه‌های گذشته تحولاتی

در برخی احزاب شاخص اصلاح طلب چه در سطح به کارگیری افراد در جایگاه‌های تاثیرگذار و مهم‌تر از آن، در سطح گفتمانی و راهبردی در مقوله‌های مختلف از جمله نگاه سیاسی و تئوری و دیدگاه اقتصادی، نشان از آن دارد که امروز اصلاح‌طلبان یا به بیان دقیق‌تر همه اصلاح‌طلبان خود را صرفاً نماینده طبقه متوسط نمی‌دانند و آن‌طور که در رویکردهای سیاسی و اقتصادی احزابی چون اتحاد ملت، اعتماد ملی و حتی کارگزاران سازندگی در مدت اخیر می‌بینیم، نیروهای منتسب به این احزاب و طیف‌های اصلاح طلب از حمایت‌های اجتماعی و نگاهی معطوف به اقشار فرودست جامعه در حوزه اقتصاد سخن گفته و از دیدگاه‌های لیبرالیستی صرف و باور به اقتصاد بازار، به نحوی تغییر مسیر داده و دیدگاه‌های اقتصاد دولتی و سوسیالیستی را دست‌کم از حیث توجه به اقشار فرودست و حمایت‌های اجتماعی و معیشتی مدنظر قرار داده‌اند. تغییر رویکردی که به روشنی می‌توان آن را واکنشی ازسوی جریان اصلاحات به وضعیت جامعه دانست و همین، می‌تواند بیش از هر سخن تند و تیز و اعتراض و انتقاد سفت و سختی، دل مردم را نرم کرده و کمال‌حال اصلاح‌طلبان در مسیر بازسازی پایگاه اجتماعی آسیب‌دیده این جریان سیاسی باشد که به نقل از فردوسی و اسدی طوسی خواننده و شنیده‌ایم «هنرها سراسر به گفتار نیست!»

منبع: روزنامه اعتماد 14 بهمن 1400 خورشیدی